

سرود پرچم

تو ای پرچم رشته رشته چه ای

مگر دست یزدان ترا بافتی

مگر شاه افراشته دامنت

چرا چشم من روشن از روی تست

چرا اینهمه سر براهت دهند

چه شد با سپاهی چنین دوستی

همیشه به دوشش سواری چرا

که جان را دهد در رهت رایگان

ز تار دل من سرشته تو ای

که این رنگ و این بوی خوش یافتی

که جز بوسه نبود سزا از منت

نسیم روان بخش از سوی تست

سر کاخ شه نیز جایت دهند

نشانی ز خون دل اوستی

مگر می پرستد چو یزدان ترا

که نامش بماند برت جاودان

سروده گدیان سرهنگ محمد اذر